حرمت علمی صوم عید فطر و عدم دوران بین محذورین در زمان شک

(3:12)

صفحه شانزدهم بودیم. مرحوم سید بعد از بحثشان سه تنبیه را مطرح میکنند.

شاگرد: در جلسه قبل در مورد حرمت عید نکتهای فرمودید. در بحث انشائات طولی میفرمودید وقتی طبیعت صلات را برای طبیعت مکلف واجب کردیم، مانعی ندارد که افرادش حائض باشد حتی یک فردی از صلات حرام شود. اینجا با نظر به فضای طولیت باز هم می فرمایید خلاف ارتکاز است که بین افراد و طبیعت تفکیک کنیم؟ آن جا چون به مقام طبیعت میرفت میگفتیم در آن مقام واجب است و تأثیر خودش را هم میگذارد ولی یک فردی به یک جهتی مانع باشد.

استاد: اگر بخواهم فرمایش شما را برای تأیید عرض خودم توضیح بدهم، به این صورت میگویم: اول شوال ای عید قربان، بهعنوان یک طبیعی سوم است. صوم طبیعی سوم اول شوال، مالکاً مفسده دارد! این را از کجا میگوییم؟! طبیعیِ روز اول شوال را با طبیعیِ امساک لله؛ صوم ملاحظه کنید، در این مفسده نیست. عنوان ثانوی میآید که میگوید روز اول شوال را روزه نگیرید.

شاگرد: طبیعیِ بعد از ماه مبارک روزه گرفتن مسلمین به چه صورت است؟

استاد: بسیار خب، در این طبیعی مفسده هست؟

شاگرد: بله، مثلاً خلاف اجتماع و وحدت باشد یعنی خدا می خواسته برای مسلمین عید باشد. خود آن روز را نگاه نکنید، مسبوق به سی روز روزه گرفتن را نگاه کنید.

استاد: اگر خلاف اجتماع است، پس ثبوت نشد، اثباتی است. یک وقتی است که شما میگویید بعد از ماه مبارک، اگر روز بعدی را روزه بگیرد ثبوتا مفسده دارد. اما فرمایش شما این نیست. یعنی به مرحله اثبات میبرید. لذا کسی که میخواهد احتیاط کند نمیتوانیم بگوییم اورا در کار حرامی را انجام میدهد. بله اگر عمداً روزه بگیرد درست است. حاج آقا زیاد میفرمودند. میفرمودند عدهای از این فساق و فجار دور هم جمع شده بودند. هر کدام به محرماتی که انجام داده بود افتخار میکردند. هر کدامشان که میگفت من حرامی را انجام دادهام، دیگری میگفت اینکه چیزی نیست. من بالاترش را انجام دادهام. یک کار حرامی را میگفت که از کار حرام قبلی بالاتر بود. بعدی میگفت اینکه چیزی نیست، من حرام بالاترش را انجام دادهام. رسید و دیدند کسی ساکت است. گفتند چرا چیزی نمیگویی؟ گفت این کارهای شما که چیزی نیست. من محرمات را انجام دادهام حتی روز عید فطر و عید قربان را روزه گرفتهام. حاج آقا میفرمودند این فساقی که جمع بودند گفتند این را باید بکشیم، چون ما محرماتی را بهخاطر هوای نفس انجام دادیم، اما معلوم میشود که او با خدا

دشمن بوده! روز عید فطر و قربان را روزه گرفته! این دیگر معلوم است که با دستور خداوند متعال عداوت دارد. حال هم اگر عمداً بخواهد به این صورت روزه بگیرد، بله. اما صرف اینکه بگوییم چون سی روز روزه گرفته‌اند، نه.

شاگرد: اگر فرض بگیریم که روز اول نماز هم خواندند و بعداً انکشاف خلاف شد. آیا انکشاف خلاف تأثیری در این بحث دارد؟

استاد: انکشاف شد که روز اول شوال نبوده.

شاگرد: بله. کلاً فضای انکشاف خلاف با اینکه واقع یک حکمی دارد مناسب نیست؟

استاد: انکشاف خلافِ چه؟ انکشاف خلافِ اینکه ما گفتیم امروز روز اول شوال است، انکشف که نیست. یک حکمی طبق علم ما آمد؛ اگر هم روزه می‌گرفتیم تجری بود. اگر روزه نگرفتیم هم معذور بودیم. الآن چه؟

شاگرد: عرف در اینجا می‌گوید اگر امروز را روز اول شوال می‌دانستید، بعداً اگر انکشاف شد که روز آخر ماه مبارک است و باید روزه می‌گرفتید. اگر به این صورت باشد عرف در اینجا فضای همان حکم ظاهری را می‌بیند. نه فضای اینکه علم شما موضوعیت پیدا کرده باشد.

استاد: بحث سر این است که وقتی عرف، خلاف می‌فهمد، خلاف اول شوال منکشف می‌شود یا خلاف حرمت؟ شما الآن طوری می‌گویید که تخیل حرمت است. تخیل حرمت کرده‌اید، چرا؟ به‌خاطر موضوعش. من بزنگاه فرمایشتان را نفهمیدم مقصودتان چیست؟

شاگرد: شما چه چیزی را متوقف بر علم می‌دانید؟

استاد: من می‌گویم وقتی برای شخص معلوم شد که اول شوال است، حرمت به اضافه اینکه معلوم است اول شوال است می‌آید. نه اینکه روز اول شوال ولو هیچ کسی هم ندانند، ثبوتاً برای خودش مفسده‌ای هم دارد؛ یعنی خدای متعال روزه‌اش را حرام کرده ولو ما ندانیم. فقط وقتی ما نمی‌دانیم و روزه می‌گیریم معذور هستیم. ولی کار حرام را ثبوتاً انجام داده‌ایم. من عرض کردم نه.

شاگرد: در این فضا کسی که علم به اول شوال پیدا کرده، وقتی انکشاف خلاف می‌شود که آخر ماه مبارک بوده، عرفاً ارتکازش به این صورت است که یک چیزی بوده و من نفهمیدم. نه اینکه علم من موضوع بوده و موضوع حکم واقعی عوض شده. مثل حضر و سفر نمی‌بینند. می‌بینند یک چیزی بود؛ مثلاً من معذور بودم و الآن متفاوت شد. نه اینکه موضوع علم الآن تغییر کند. الآن حقیقتاً آن احکام بود، الآن که علمم تمام شد، مثل حالت حضر و سفر موضوع حکم واقعی عوض می‌شود.

استاد: من برعکسش را بگویم. روز سی ام ماه مبارک است، شاهد عادل در ساعت ده صبح می‌گوید که دیشب ماه را دیده بودند، اما من خبر ندادشتم. در زمان مرحوم بروجردی اتفاق افتاده بود. ساعت چهار بعد از ظهر خبر رسیده بود در یزد که آقای بروجردی فرموده که ماه ثابت است. شاید در قم هم بعد از ظهر بود. بین قدیمی های قم معروف است که آقای بروجردی فرمودند بعد از ظهر بخوریدی. حال شما می‌گویید ارتکاز متشرعه در اینجا این است که وای! ما صبح تا به حال کار حرامی می‌کردیم؟!

شاگرد: ارتکاز این نیست. چون این فردش است و بین طبیعی و فرد تفاوت گذاشتیم.

استاد: من ثبوتی را عرض می‌کنم. یعنی من کار مفسده داری را می‌کردم که خودم خبر ندادشتم. ارتکاز این است؟!

شاگرد۲: مثل اول ماه که اگر وسط روز بفهمیم، همه متشرعه نمی‌گویند: ای وای! امروز چه گناهی کردیم که خوردیم!

استاد: آن جا می‌گویند ثبوتا روزه داشتیم، چون اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل قطعاً شامل وجوب صوم در اول ماه است. ولذا باید قضا کند. اگر روزه را نگرفت معذور است اما واجب است که قضا کند. مثلاً فرض بگیری‌د نذری برای روز عید فطر می‌کند. اگر متوجه نشد و شب فهمید که امروز روز عید بود، الآن این آقا باید صدقه بدهد یا نه؟ روز عید را روزه گرفت؛ نه به این معنا که روز عید ثبوتی را روزه بگیرد؛ می‌گوید روزه عید حرام است. خیلی کارها متفرع بر حرمت است. اگر نذر موضوع ثبوتی اول شوال باشد، بله. اما می‌گوید هر وقت من کار حرامی انجام دادم، صدقه می‌دهم. می‌گوید ای وای من کار حرامی انجام داد بودم و امروز را روزه گرفتم و کسی هم نمی دانست. حال شب فهمیدیم که امروز این کار حرام را انجام داده‌ام. چون روز عید بوده پس باید صدقه بدهم. آیا این هست یا نیست؟ البته همانطوری که سید فرمودند با این، معامله ثبوت می‌شود، مشکلی ندارم. من به‌عنوان احتمال عرض کردم که تناسب حکم و موضوع در اینجا برای حرمت، از نظر اصولی دوران بین محذورَین نمی‌آورد. این عرض اصلی من بود که گفتم دوران نیست. سید فرموده بودند که دوران است. من می‌خواهم بگویم دوران نیست. البته مثالی که اخیراً فرمودید را خوب متوجه نشدم. فرمودید الآن می‌فهمد که اشتباه بوده؛ در اشتباه موضوع اول شوال حرفی نیست. اما این‌که می‌فهمد من اشتباه کرده‌ام چه؟ من تا به حال تخیل می‌کردم که حرام است. حال که فهمیدم سی ام ماه مبارک بوده، واجب است که بقیه روز را روزه بگیرم. فقط این می‌ماند که آیا چون جهل من موضوعی بوده روزه من باطل است یا نه؟ نوعاً می‌گویند چون تعمدا خورده بعداً باید قضا کند. در بعض موارد –نه مانحن فیه- هست که کلاً جهل موضوعی محکوم به حکم سهو است. فرع خیلی خوبی است. اگر برای آن رساله‌ای پیدا کنید و در کل فقه جمع‌آوری کنید، خیلی جالب می‌شود. استثنائات دارد. به‌خصوص در موارد خاص مثل مفطرات صوم می آید. جهل موضوعی در حکم سهو است. یعنی احکامی که شما در فقه برای ساهی می‌گویید، در جاهل به موضوع هم همان است.

شاگرد: آن مسأله حج را هم که می‌فرمودید بند به همین موضوع گرفته بودید؟

استاد: بله، چون جاهل به موضوع بوده ترک سعی، سهوی می‌شود. او بدون این‌که سؤال کند مادرش را از طبقه بالا با ولیچر سعی داده بود. بعد تمام شده بود عمره تمتع و حج هم انجام داده بود. بعد در حج تمتع که می خواسته سعی بدهد، گفته اند مرجع شما می‌فرمایید سعی در طبقه بالا باطل است.

شاگرد۲: تعبداً یکی می‌شوند یا موضوعاً سهو و جهل موضوعی یکی است؟

استاد: حکماً یکی می‌شوند. و الاّ موضوعاً دو تا است. جهل موضوعی با سهو خیلی تفاوت دارد. از حیث موضوع تکوینی دو تا هستند. اما از حیث حکم در بسیاری از موارد اینطور است. به گمانم خودش یک رساله خیلی خوبی می‌شود؛ جهل موضوعی در سراسر فقه چه احکامی دارد؟ در طیف وسیعی از مسائل، جهل موضوعی به‌منزله سهو است. و لذا در خیلی از جاها کار را راحت می‌کند.

شاگرد: کراهت صوم روز عرفه وقتی شک داریم، شاهد این نیست که حرمت ثبوتی است، نه علمی؟ چون بین عید قربان و عید فطر نباید تفاوتی داشته باشد.

استاد: کراهت صوم عرفه؟

شاگرد: وقتی اول ماه اشتباه شده کراهت دارد که با روز عید قربان اشتباه نشود.

استاد: روایتش اداتان هست؟ صحبت سر فتوا و استظهار است. و الاّ مکروه بودنش ممکن است به‌خاطر دلیلی برکراهت بوده. محملش هم مثلاً ضعف برای دعا باشد. کما این‌که دارد کسی که

به‌خاطر صوم، برای دعا ضعف پیدا کند، روزه نگیرد. به‌معنای اقلیت ثواب در صوم.

شاگرد: روایتش این است: امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «وَ أَكْرَهُ أَنْ أَصُومَهُ وَ أَتَخَوَّفُ أَنْ يَكُونَ عَرَفَةُ- يَوْمَ أَضْحًى فَلَيْسَ بِيَوْمِ صَوْمٍ»[1]. خوف حرت از این است که عید قربان نباشد.

استاد: حتماً ان شاء الله نگاه می‌کنم و عرض می کنم.

شاگرد۲: عید قربان با عید فطر واقعاً تفاوت دارد. در عید قربان انسان حس می‌کند که یک ایجابی هست. اما در عید فطر بیشتر حالتی است که شما فرمودید که روزه را تمام کنید. در عید قربان خیال می‌کنی ایجاب یک کاری می‌کنید.

استاد: بله، تفاوت که هست ولی اصل این‌که نزدیک به هم هست. حال می‌بینم.

شاگرد: برخی حرمت عید فطر را به این صورت بیان می‌کنند: وقتی حرمت به عبادتی تعلق بگیرد آن حرمت حتماً حرمت تشریعی می‌شود. چون عبادت چیزی است که باید به داعی امر باشد؛ اگر بخواهد متعلق نهی هم باشد، شیء واحد نمی‌تواند متعلق الامر و النهی معا قرار بگیرد. لذا گفته اند حتماً حرمتش حرمت تشریعی است. مثل صلات حائض. از این باب هم می‌توان حرمت عید فطر را حرمت تشریعی گرفت.

استاد: بله. یعنی ثبوتا آن حکم حرمت را ندارد؛ کسی که به قصد استحباب، روز اول شوال را روزه بگیرد به عنوان استحباب شرعی و تشریعاً، این حرام است. همانی که در حائض هم گفته اند حرام است. مرحوم آقای حکیم هم در مستمسک بحث کرده‌اند که آیا دلیل داریم که نماز همینطوری بر حائض حرام است؟ یا نه، اگر نماز را به‌عنوان وجوب یا به‌عنوان حتی راجح، برای خودش بخواند، چون تشریع می‌شود حرام است. اگر این جور باشد له(به نفع) عرض من می‌شود.

شاگرد۲: مطلق نهی در عبادات که لزوماً به این معنا نیست.

استاد: بله، چند روز از نهی در عبادات صحبت کردیم. مشهور می‌گویند نهی در عبادات اقلیت ثواب است. ولی یک تفصیلی هم هست؛ شاید پنج نوع بود. برگه آن را خدمت شما دادم. چند جور نهی در عبادات بود.

---

[1] تهذيب الأحكام , جلد۴ , صفحه۲۹۹؛ «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُ يَعْدِلُ صَوْمَ سَنَةٍ قَالَ «كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَصُومُهُ» وَ قَالَ «إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَصُومَهُ وَ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُضْعِفَنِي عَنِ الدُّعَاءِ وَ أَنْ يَكُونَ عَرَفَةُ- يَوْمَ أَضْحًى فَلَيْسَ بِيَوْمِ صَوْمٍ».

بازبینی #2
ایجاد شده 5 فوریه 2026 13:54:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 13:57:11 توسط ... .